

عکس و خاطره؛ عکس راوی راست گو یا دروغ گو

دکتر محمود بابائی

mahmoud.babaie@gmail.com

همه‌ی ما آلبوم‌های عکس قدیمی را ورق زده‌ایم. عکس پدر و بزرگ در جوانی، عکس مادر در روز عروسی، یا عکسی از خودمان که لباس تولد پوشیده‌ایم. این عکس‌ها فقط کاغذ و جوهر نیستند. فقط یک تصویر نیستند. آن‌ها یادگارهایی از گذشته هستند، اما خیلی بیشتر از یک یادگار ساده. عکس‌ها می‌توانند ما را به ف گریه بیندازند، بخندانند، یا حتی ما را به فکر فرو ببرند که «واقعاً آن روزگار چگونه بوده و چگونه گذشته؟»

در این نوشتار، می‌خواهیم ببینیم عکس‌ها چطور خاطرات ما را شکل می‌دهند. آیا عکس‌ها واقعاً آنچه را که اتفاق افتاده نشان می‌دهند؟ یا اینکه خودشان خاطره‌های تازه‌ای می‌سازند؟ و مهم‌تر از همه، عکس‌های خانوادگی چه نقشی در همبستگی ما دارند؟



■ عکس، آینه‌ای با حافظه

از وقتی دوربین اختراع شد، مردم فکر می‌کردند عکس یعنی «واقعیت». اولیور وندل هولمز، یک نویسنده آمریکایی، در سال ۱۸۵۹ عکس را «آینه‌ای با حافظه (mirror with a memory)» نامید. یعنی عکس، همان‌طور که آینه صورت ما را نشان می‌دهد، گذشته را هم دقیقاً نشان می‌دهد. این بازتاب، هرچند فریبده، صرفاً یک «ظاهر واقعیت» است که حواس را با «حقیقت به‌ظاهر» خود می‌فریبد.

اما این سخن، فقط یک روی سکه است. عکس‌ها، هرگز خنثی و بی‌طرف نیستند. عکاس با انتخاب زاویه، نور و زمان، حرف خودش را می‌زند. به قول گری وینوگراند، عکاس معروف: «عکاسی درباره چیزی که عکاسی شده نیست؛ بلکه درباره آن چیزی است که در حالت عکاسی شده به نظر می‌رسد.» یعنی عکس، واقعیت را همان‌طور که هست نشان نمی‌دهد، بلکه آن را به شکلی که عکاس دوست داشته، نشان می‌دهد.

■ خاطره، مثل یک داستان است که هر بار بازگو می‌شود

مارسل پروست، نویسنده فرانسوی، در کتاب معروفش «در جستجوی زمان از دست رفته»، نشان داد که خاطرات ما مثل فیلمی نیستند که از اول تا آخر پخش شوند. خاطرات، تکه تکه، مبهم و گاهی ساختگی هستند. گاهی یک بو، یک صدا، یا یک عکس می‌تواند ناگهان سیل خاطرات را در ذهن ما جاری کند (پروست به این می‌گفت «حافظه غیرارادی»). اما گاهی هم ما با زور و تلاش سعی می‌کنیم چیزی را به خاطر بیاوریم (حافظه ارادی) که معمولاً چندان موفق نیست.

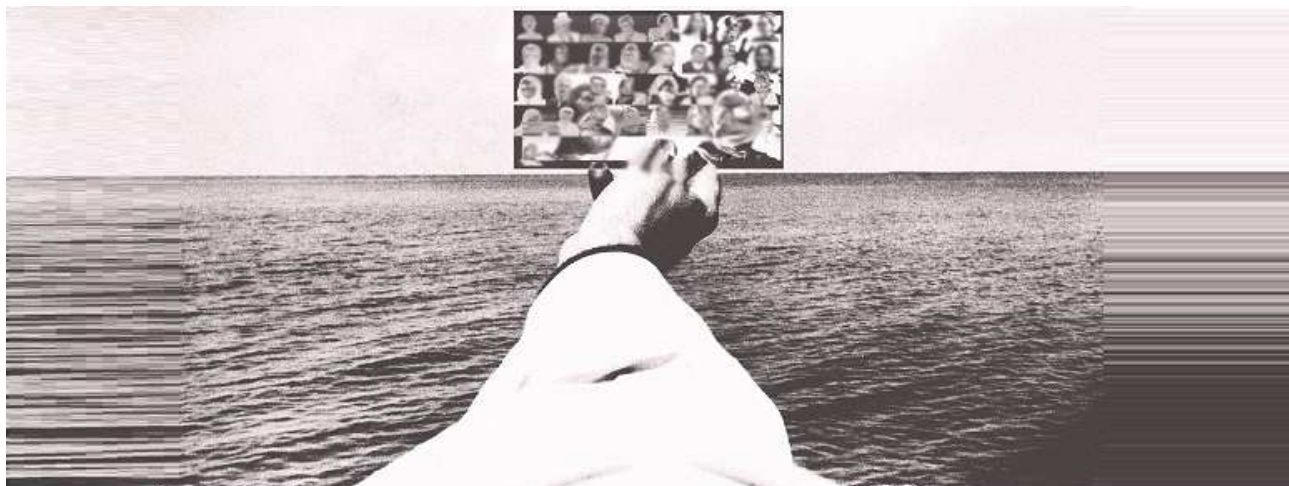
عکس‌ها، دقیقاً همان «محرک‌هایی» هستند که می‌توانند حافظه غیرارادی را فعال کنند. یک عکس قدیمی از کودکی، ناگهان شما را به آن روز می‌برد، بدون اینکه خودتان بخواهید. اما از طرف دیگر، وقتی ما به عکس نگاه می‌کنیم و سعی می‌کنیم «به‌زور» جزئیات را به یاد بیاوریم، در واقع داریم از حافظه ارادی استفاده می‌کنیم؛ همان تلاشی که معمولاً بی‌نتیجه است و جزئیات را تحریف می‌کند. پس عکس، هم ماشه خاطرات ناخودآگاه است، هم میدان جنگ حافظه خودآگاه.

دانیال شکتر، عصب‌شناس معروف، می‌گوید: «خاطرات ما، محصولات شکننده‌ای هستند از آنچه از گذشته به یاد می‌آوریم، به حال باور داریم، و درباره آینده تصور می‌کنیم». یعنی خاطره، یک بازسازی ذهنی است، نه یک پخش مجدد. و عکس، یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که این بازسازی را هدایت می‌کند. ما با نگاه به عکس، گذشته را آن‌طور که می‌خواهیم ببینیم، بازسازی می‌کنیم، نه آن‌طور که واقعاً بوده.

■ عکس‌ها، ماشین‌های زمانِ بصری

وقتی به یک عکس قدیمی نگاه می‌کنیم، گاهی احساس می‌کنیم به همان لحظه برگشته‌ایم. این همان «نقش تحریک‌کننده عکس» است. عکس مثل یک ماشین زمان عمل می‌کند. یک نگاه، کافی است تا بوها، صداها، و احساسات آن روز دوباره زنده شوند.

اما عکس فقط خاطره را تحریک نمی‌کند، بلکه آن را تثبیت هم می‌کند. یعنی خاطره‌ای که با دیدن عکس شکل می‌گیرد، ممکن است به مرور زمان به جای خاطره اصلی بنشیند. مثلاً شما ممکن است یک رویداد را نه از خود رویداد، بلکه از روی عکسش به خاطر بیاورید. عکس به «خودِ خاطره» تبدیل می‌شود.



■ عکس‌ها، چطور خاطره‌های دروغین می‌سازند؟

اما عکس‌ها می‌توانند خاطره‌هایی در ذهن ما بکارند که هرگز رخ نداده‌اند. این را تحقیقات روانشناسی نشان داده است. در یک آزمایش معروف، به افراد عکس‌هایی نشان دادند که در آن‌ها خودشان را در کودکی و در حال سوار شدن بر بالون هوای گرم می‌دیدند (البته این عکس‌ها با فتوشاپ ساخته شده بود). با کمال تعجب، ۵۰٪ از این افراد بعد از چند هفته، شروع به تعریف کردن جزئیات از آن سفر کردند! مثلاً می‌گفتند: «باد خیلی سرد بود» یا «مادرم کنارم بود». حتی وقتی به آن‌ها گفتند عکس جعلی است، بعضی‌ها باور نمی‌کردند و فکر می‌کردند حتماً این سفر اتفاق افتاده.

این پدیده را «خاطره کاذب» می‌نامند. یعنی مغز ما، برای پر کردن جای خالی، دست به دامان تخیل می‌زند و آن را به جای واقعیت می‌نشاند.

■ روایت‌ها قوی‌تر از عکس‌ها هستند

جالب است بدانید که در ایجاد خاطره کاذب، روایت‌های کلامی (داستان‌ها و توضیحات) از عکس‌ها هم قوی‌تر هستند. در آزمایشی، به یک گروه عکس دستکاری‌شده‌ی بالون نشان دادند و به گروه دیگر، همان ماجرا را به صورت یک داستان خواندند. نتیجه: ۸۰٪ از گروه داستان‌خوان، خاطره کاذب ساختند، در حالی که این عدد در گروه عکس‌بین ۵۰٪ بود.

چرا؟ چون داستان به شنونده اجازه می‌دهد که جزئیات را خودش در ذهنش بسازد و راحت‌تر آن‌ها را باور کند. عکس اما، جزئیات را به او تحمیل می‌کند و کمتر به تخیلش مجال می‌دهد.

عکس‌های واقعی هم می‌توانند فریب‌دهنده باشند

تا اینجا گفتیم که عکس‌های دستکاری‌شده خاطره کاذب می‌سازند. اما تحقیقات نشان داده که عکس‌های کاملاً واقعی هم می‌توانند این کار را بکنند. در آزمایشی دیگر، از دانش‌آموزان خواستند یک خاطره درسی را به یاد بیاورند. به بعضی از آن‌ها عکس واقعی کلاسشان را نشان دادند. نتیجه: بیش از ۷۰٪ از آن‌ها خاطره‌ای کاذب از یک شوخی در کلاس (که هرگز رخ نداده بود) تعریف کردند.

پس عکس، چه واقعی باشد و چه جعلی، می‌تواند حافظه ما را تغییر دهد. عکس‌ها مثل یک «سکوی پرش» برای تخیل هستند.

نشانه‌شناسی عکس: لایه‌های پنهان معنا

عکس‌ها فقط یک لایه ندارند. رولان بارت، نظریه‌پرداز فرانسوی، می‌گوید عکس‌ها دو لایه معنایی دارند:

لایه اول: معنای ظاهری (Denotation). یعنی آنچه همه می بینند. مثلاً: «یک زن سیاه پوست با موهای پف کرده به دوربین نگاه می کند.» این لایه، ظاهراً بی طرفانه است. یا یک پیرمرد با لباس کهنه، کنار یک کودک نشسته و به هم نگاه می کنند. پس زمینه، یک خیابان شلوغ است.

لایه دوم: معنای پنهان فرهنگی (Connotation). عیناً آنچه فرهنگ، تاریخ و ذهنیت به آن اضافه می کن و بار فرهنگی و اجتماعی عکس. مثلاً همان عکس، در دهه ۱۹۷۰ ممکن بود نماد «غرور سیاهان» یا «انقلاب مد» باشد. این معنا را هر کس با توجه به فرهنگ و تجربه اش می خواند.

همان مثال: یک پیرمرد با لباس کهنه، کنار یک کودک نشسته و به هم نگاه می کنند. پس زمینه، یک خیابان شلوغ، در اینجا:

برای یک بیننده: نماد «فقر و نابرابری اجتماعی» است. برای بیننده ای دیگر، یادآور «مهربانی و ارتباط بین نسل ها» است. برای دیگری، ممکن است تداعی کننده «تنهایی و انزوا در شهر بزرگ» باشد.

«بارت» همچنین مفهوم پوانکتوم (Punctum) را معرفی کرد؛ یعنی نقطه ای در عکس که ناگهان شما را می زند و تحت تأثیر قرار می دهد. مثلاً یک بند کفش کثیف در عکس یک سرباز، که شما را یاد خاطره ای از کودکی می اندازد. پوانکتوم، کاملاً شخصی است و قابل پیش بینی نیست.

نمونه ای دیگر، یک عکس از یک مهمانی خانوادگی را تصور کنید. همه لبخند می زنند و به دوربین نگاه می کنند (استادیوم). اما در گوشه عکس، یک لیوان شکسته روی زمین افتاده است. این لیوان شکسته، ناگهان شما را می زند و یادآور خاطره ای از یک مهمانی دیگر در زندگی خودتان می شود. این همان پوانکتوم است؛ «نقطه ای شخصی» که فقط برای «شخص شما» معنا دارد.



■ عکس و داستان گویی خانوادگی

عکس های خانوادگی، فقط یادگار نیستند؛ آن ها منبع داستان گویی هستند. وقتی دور هم جمع می شویم و آلبوم را ورق می زنیم، هر کس چیزی از آن روز به یاد می آورد. یکی می گوید: «یادت هست که آن روز باران گرفت؟» دیگری می گوید: «نه، آفتابی بود!» اینجا است که عکس، گفت و گو را شروع می کند و خاطرات مشترک را بازآفرینی می کند.

عکس‌ها می‌توانند:

— هویت خانوادگی را تقویت کنند (ما که هستیم؟ از کجا آمده‌ایم؟)

— جایگاه‌ها و نقش‌ها را در خانواده مشخص کنند (کی بزرگ‌تر بود؟ کی مسئول بود؟)

— ارزش‌ها را نشان دهند (چه چیزهایی برای خانواده مهم بود؟)

— و حتی گوشه‌های مبهم گذشته را روشن کنند.

■ عکس دیجیتال، تفاوت‌ها و شباهت‌ها

با آمدن دوربین‌های دیجیتال و گوشی‌های هوشمند، عکاسی به کلی تغییر کرد. قبلاً یک رول فیلم ۱۲ یا ۲۴ یا ۳۶ تا عکس داشت و باید صرفه‌جویی می‌کردی. اما حالا می‌توانی هزاران عکس بگیری و هیچ کدام را چاپ نکنی.

یعنی اینکه: تعداد عکس‌ها خیلی بیشتر شده؛ هزینه کمتر شده؛ اشتراک‌گذاری در شبکه‌های اجتماعی آسان شده. درعین حال، ترس از گم یا نابود شدن عکس‌ها بیشتر شده (هارد دیسک خراب شود یا گوشی گم شود؛ و یا ناخواسته توسط کابرا، حذف شود).

با این حال، کارکرد اصلی عکس تغییر نکرده. مردم هنوز از عکس‌ها برای به‌خاطر سپردن عزیزان، جشن‌ها و سفرها استفاده می‌کنند. حتی خیلی‌ها عکس‌های دیجیتال را چاپ می‌کنند و آلبوم درست می‌کنند، چون احساس می‌کنند عکس چاپ‌شده، «واقعی‌تر» است.

■ عکس، ضدّ خاطره؟

بعضی از فیلسوفان معتقدند عکس‌ها نه تنها به ما کمک نمی‌کنند به یاد بیاوریم، بلکه ما را از یادآوری بازمی‌دارند. چطور؟ با متوقف کردن زمان. وقتی یک لحظه را عکس می‌کنیم، آن را از جریان زمان خارج می‌کنیم. دیگر آن لحظه زندگی نمی‌کند، بلکه به یک شیء بی‌جان تبدیل می‌شود.

به قول بارت، عکس همیشه به ما می‌گوید «این اتفاق افتاده» (بوده است)، اما در عین حال به ما می‌گوید «این دیگر نیست» (مرده است). پس عکس، هم حضور را نشان می‌دهد، هم غیاب را.

عکس، همیشه چیزی را نشان می‌دهد که دیگر نیست. این دوگانگی (duality) عکس یعنی حضور و غیاب است: هم حضور را فریاد می‌زند و هم غیاب را. شاید به همین دلیل است که نگاه کردن به عکس‌های قدیمی، هم شیرین است و هم تلخ. شیرین از بابت یادآوری، و تلخ از بابت ازدست‌رفتن.

بعضی می‌گویند ما عکس می‌گیریم تا فراموش نکنیم، نه برای به خاطر سپردن. چون با ثبت لحظه، دیگر نگران از دست دادنش نیستیم و خیالمان راحت می‌شود. مثل این است که خاطره را در قفس می‌کنیم تا آزارمان ندهد.

■ مکان‌های حافظه: چرا یک مکان خاص، خاطره را زنده می‌کند؟

تا حالا شده به یک مکان قدیمی بروی و ناگهان همه چیز را به یاد بیاوری؟ این همان «روش مکان‌ها» است، یک تکنیک باستانی برای تقویت حافظه. ارسطو و بعدها ریکور نشان دادند که ذهن ما مکان‌ها را با خاطرات گره می‌زند. وقتی به یک مکان برمی‌گردیم، نه فقط مکان، بلکه افرادی که آنجا دیدیم، کارهایی که کردیم، و حتی افکاری که در آن زمان داشتیم، دوباره زنده می‌شوند.

عکس‌های منظره و مکان‌ها، به همین دلیل، محرک‌های بسیار قدرتمندی برای حافظه هستند. یک عکس از کوچه قدیمی، می‌تواند سیل خاطرات را روانه کند.



■ هویت ما با خاطراتمان ساخته می‌شود

عکس‌ها فقط خاطرات ما را نمی‌سازند؛ هویت ما را هم می‌سازند. ما خودمان را بر اساس خاطراتی که از خودمان داریم، تعریف می‌کنیم. اگر عکس‌های کودکی مان را دستکاری کنیم یا حذف کنیم، در واقع هویت‌مان را تغییر داده‌ایم.

تحقیقات نشان می‌دهد که وقتی افراد با عکسی از خودشان در یک موقعیت ناخوشایند روبرو می‌شوند، ممکن است شروع به تغییر خاطراتشان کنند تا با هویت فعلی‌شان همخوانی بیشتری داشته باشد. مثلاً مردی که بعد از ۵۰ سال عکس خود را در اردوگاه کار اجباری می‌بیند، ناگهان خاطراتش را به گونه‌ای دیگر بازسازی می‌کند.

■ عکس، پلی میان نسل‌ها

عکس‌های خانوادگی، پلی هستند میان نسل‌ها. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها با نشان دادن عکس‌های قدیمی، داستان زندگی‌شان را برای نوه‌ها تعریف می‌کنند. این کار، نه تنها خاطرات را زنده نگه می‌دارد، بلکه به نسل جدید کمک می‌کند تا ریشه‌های خود را بشناسند.

عکس‌ها می‌توانند نشان دهند که یک خانواده در طول زمان چطور تغییر کرده، چه ارزش‌هایی داشته، و چه چالش‌هایی را پشت سر گذاشته. این داستان‌ها، به اعضای خانواده حس تعلق و هویت می‌دهند.

■ عکس علیه فراموشی

گاهی ما عمداً یا ناخودآگاه چیزهایی را فراموش می‌کنیم که برایمان دردناک است. فروید معتقد بود ناخودآگاه ما از فراموشی به عنوان یک سپر محافظ استفاده می‌کند. اما پل ریکور می‌گوید بسیاری از خاطرات، واقعاً پاک نمی‌شوند، فقط غیرقابل دسترس می‌شوند. یعنی هنوز جایی در ذهن ما هستند، اما راه ورود به آن‌ها را گم کرده‌ایم.

عکس‌ها می‌توانند کلید ورود به این خاطرات قفل‌شده باشند. یک عکس قدیمی، گاهی در اِتناقی را باز می‌کند که فکر می‌کردیم برای همیشه بسته شده است. انسان از قدیم می‌دانسته که مکان‌ها به یادآوری کمک می‌کنند. به این تکنیک، «روش مکان‌ها» (Method of Loci) می‌گویند. مکان‌ها، به نوعی «محرک حافظه» هستند.

■ عکس‌ها و خاطرات مشترک جمعی

عکس‌ها فقط برای فرد نیستند؛ آن‌ها حافظه جمعی یک گروه، یک خانواده یا حتی یک ملت را تشکیل می‌دهند. عکس‌های دسته‌جمعی، عکس‌های مراسم و جشن‌ها، و عکس‌هایی که از رویدادهای تاریخی گرفته می‌شوند، همه به ما کمک می‌کنند تا «ما»یی مشترک بسازیم.

وقتی به عکس یک تظاهرات یا یک جشن ملی نگاه می‌کنیم، احساس می‌کنیم بخشی از یک کل بزرگ‌تر هستیم. این حس همبستگی، از همین تصاویر مشترک زاده می‌شود.

■ عکس‌ها و سرمایه عاطفی

عکس‌های خانوادگی، برای خیلی‌ها مثل گنج هستند. در مصاحبه‌هایی که با افراد مختلف انجام شده، خیلی‌ها گفته‌اند که در صورت آتش‌سوزی، اولین چیزی که نجات می‌دهند، آلبوم عکس‌هایشان است. این نشان می‌دهد که عکس‌ها برای ما سرمایه عاطفی هستند؛ چیزی که با پول نمی‌توان جایگزینش کرد.

حتی در دنیای دیجیتال، مردم نگران گم شدن عکس‌هایشان هستند و از آنها پشتیبان می‌گیرند. بعضی‌ها عکس‌های دیجیتال را چاپ می‌کنند تا خیالشان راحت‌تر باشد.



■ وقتی عکس‌ها دستکاری می‌شوند: خاطره‌سازی

گفتیم که عکس‌ها می‌توانند خاطره دروغین بسازند. اما این کار، همیشه با یک عکس از پیش دستکاری شده شروع نمی‌شود. گاهی خود ما هستیم که عکس‌ها را تغییر می‌دهیم. با گوشی، با نرم‌افزارهایی مانند فتوشاپ، یا حتی با فیلترهای اینستاگرام.

وقتی یک عکس قدیمی را روشن‌تر می‌کنیم، لکه‌هایش را پاک می‌کنیم، یا کسی را از قاب حذف می‌کنیم، داریم خاطره را هم ویرایش می‌کنیم. مثلاً فرض کنید از یک مهمانی خانوادگی عکس دارید، اما یکی از اعضای خانواده در آن عکس نیست. با فتوشاپ، می‌توانید او را به عکس اضافه کنید. چند سال بعد، وقتی به آن عکس نگاه می‌کنید، ممکن است قسم بخورید که او آنجا بوده. عکس، خاطره‌ای ساخته که هرگز رخ نداده. اینگونه، خاطره، بازنویسی می‌شود!

ما عکس‌های خودمان را ویرایش می‌کنیم تا «بهتر» به نظر برسیم. لاغرتر، خوش‌تیپ‌تر، جوان‌تر. این کار، فقط ظاهرمان را تغییر نمی‌دهد؛ تصویر ذهنی‌مان را از خودمان هم تغییر می‌دهد. به قول خوزه ون دایک «حافظه، مانند عکس‌ها و بدن‌ها، اکنون می‌تواند بی‌نقص شود.» یعنی ما با ویرایش کردن عکس‌ها، داریم خاطره‌ای بی‌نقص از خودمان می‌سازیم (تغییر هویت) که شاید با واقعیت فاصله زیادی داشته باشد.

ویرایش کردن فقط برای خاطرات شخصی نیست. در رسانه‌ها، عکس‌های دستکاری شده می‌تواند افکار عمومی را تغییر دهند. مثلاً در سال ۲۰۰۴، روزنامه انگلیسی «دیلی میرور» عکس‌هایی جعلی از شکنجه زندانیان عراقی منتشر کرد. وقتی مشخص شد عکس‌ها دستکاری شده‌اند، روزنامه مجبور شد عذرخواهی کند و سردبیرش اخراج شد. این نشان می‌دهد که یک عکس دستکاری شده، می‌تواند اعتماد میلیون‌ها نفر را بسوزاند.

آیا ویرایش کردن همیشه بد است؟ پاسخ این است: نه لزوماً. در روان‌درمانی، از عکس‌های دستکاری شده برای کمک به بیماران استفاده می‌شود. مثلاً به افرادی که لکنت دارند، ویدیویی نشان می‌دهند که در آن خودشان را در حال صحبت کردن روان می‌بینند. این کار، اعتماد به نفسشان را بالا می‌برد و لکنت‌شان کمتر می‌شود.

اما این سؤال اخلاقی مطرح است: آیا دستکاری خاطرات برای درمان، کار درستی است؟ بعضی می‌گویند اگر به بیمار کمک کند، اشکالی ندارد. بعضی دیگر نگرانند که مرز بین واقعیت و خیال را کمرنگ کند.

ویرایش کردن عکس، فقط یک ابزار فنی نیست. یک ابزار روانی و اجتماعی است که می‌تواند خاطرات ما را بازنویسی کند؛ هویت ما را تغییر دهد؛ دیگران را فریب دهد؛ یا حتی به درمان کمک کند.

پس هنگامی که یک عکس را ویرایش می‌کنید، به یاد داشته باشید: شما نه فقط یک تصویر، بلکه یک خاطره را تغییر می‌دهید.



■ هوش مصنوعی در خدمت خاطره‌سازی یا بازسازی خاطره

اکنون پای «هوش مصنوعی» به میان آمده است. ابزارهایی تصویرساز (Image Generators) مانند DALL-E، Midjourney و Stable Diffusion، و همچنین ویرایشگرهای هوشمند که می‌توانند در یک عکس، لباس، چهره، یا حتی کل صحنه را تغییر دهند، کار را به سطح تازه‌ای برده‌اند.

◀ هوش مصنوعی: تصویرسازی از روی خاطرات مبهم

تصور کنید یک خاطره مبهم از کودکی دارید؛ مثلاً یک پارک بازی، یک تاب، و آسمان ابری. قبلاً فقط می‌توانستید آن را در ذهنتان مرور کنید. اما اکنون با هوش مصنوعی، می‌توانید آن صحنه را تولید کنید؛ یعنی دقیقاً تصویری بسازید که تا حد ممکن به خاطره‌تان نزدیک باشد. این کار با نوشتن یک توضیح ساده (پرامپت) انجام می‌شود و هوش مصنوعی، تصویری منحصر به فرد خلق می‌کند.

این قابلیت، دو روی سکه دارد: از یک سو، می‌تواند به بازسازی خاطره برای افرادی که حافظهٔ تصویری ضعیفی دارند یا دچار زوال عقل (دمانس) شده‌اند، کمک کند. از سوی دیگر، ممکن است خاطره‌ای کاملاً جدید بسازد که هرگز رخ نداده است، اما به قدری واقعی به نظر می‌رسد که فرد آن را باور کند.

«خاطرات مصنوعی» با هوش مصنوعی

آلیسون لندزبرگ، سال‌ها پیش مفهوم «خاطرات مصنوعی» (Prosthetic Memories) «را مطرح کرد؛ یعنی خاطراتی که از طریق رسانه‌ها و فناوری به ما منتقل می‌شوند و بخشی از هویت‌مان می‌شوند، بدون اینکه خودمان آن‌ها را زیسته باشیم. هوش مصنوعی، این مفهوم را به سطح جدیدی برده است. حالا نه تنها خاطرات دیگران را تجربه می‌کنیم، بلکه می‌توانیم خاطرات شخصی‌سازی شده را به صورت دیداری بازسازی کنیم.

◀ تولید «خاطره جمعی» با هوش مصنوعی

یکی از کاربردهای جالب هوش مصنوعی، بازسازی تصویری از رویدادهای تاریخی یا خانوادگی بر اساس توضیحات چند نسل است. مثلاً نوه‌ها می‌توانند با کمک هوش مصنوعی، تصویری از پدربزرگ خود در جوانی بسازند، یا یک رویداد خانوادگی را که فقط به صورت شفاهی نقل شده، به صورت تصویر درآورند. این کار، به حفظ حافظهٔ جمعی کمک می‌کند. اما این قابلیت، خطر تحریف تاریخ را نیز دارد؛ زیرا اگر هوش مصنوعی بر اساس داده‌های ناقص یا مغرضانه تصویرسازی کند، ممکن است روایتی جعلی از گذشته خلق کند که جایگزین واقعیت شود.

◀ بازسازی خاطرات از دست‌رفته (در روان‌درمانی)

تحقیقات نشان داده که می‌توان از تصاویر تولیدشده توسط هوش مصنوعی برای کمک به بیمارانی که حافظه‌شان را از دست داده‌اند (مثلاً به دلیل آلزایمر یا آسیب مغزی) استفاده کرد. با تحریک حافظه بصری از طریق تصاویر شخصی‌سازی‌شده، می‌توان ارتباطات عصبی را تقویت کرد. البته این حوزه هنوز در مراحل اولیه است و نیاز به تحقیقات بیشتر دارد.

◀ هوش مصنوعی و دستکاری حافظه: یک هشدار اخلاقی

همان‌طور که در بخش قبل (ادیت عکس) گفتیم، دستکاری تصویر می‌تواند خاطرات را تغییر دهد. اما هوش مصنوعی این کار را بی‌نهایت آسان‌تر و واقعی‌تر کرده است. دیگر نیازی به فتوشاپ و مهارت گرافیکی و نرم‌افزاری نیست؛ با چند کلمه می‌توان چهره‌ها، مکان‌ها و حتی کل داستان یک عکس را تغییر داد.

پژوهشگران هشدار داده‌اند که این فناوری می‌تواند مرز بین واقعیت و خیال را برای همیشه محو کند. همچنین ممکن است برای جعل مدارک، انتشار اخبار جعلی، یا حتی القای خاطرات کاذب در افراد استفاده شود.

■ منابع

- Barthes, R. (1980). *Camera Lucida: Reflections on Photography*. New York, NY: Hill and Wang.
https://elibrary.qnl.qa/iii/mobile/record/C_Rb1877894_SBarthes.%2520Roland.%2520%2520Chambre%2520claire._P0_3_Orightresult_X1?lang=eng&suite=mobile&ivts=3mzK0%2520BKEj5qPr1nBltsJWg%2520%2520D%2520D&casts=b5USObYe31m6FJuLAFcmzg%2520%2520
- Benjamin, W. (1999 [1931]). *Little History of Photography*. In *Selected Writings, Volume 2: 1927–1934* (pp. 507–530). Cambridge, MA: Harvard University Press. https://www.degruyterbrill.com/de/document/doi/10.1515/9781503612327-009/html?_x_output_type_b6db407c4_=embedded_pdf#1#1
- Bergson, H. (1912). *Matter and Memory*. (N. M. Paul & W. S. Palmer, Trans.). London, UK: George Allen & Unwin.
<https://find.library.duke.edu/catalog/DUKE001035761>
- Flusser, V. (1985). *Towards a Philosophy of Photography*. (A. Mathews, Trans.). London, UK: Reaktion Books.
https://academicworks-cuny-edu.ccny-proxy1.lib.ccny.cuny.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1707&context=gc_etds#60#39
- Garry, M., & Wade, K. A. (2005). When Photographs Create False Memories. *Current Directions in Psychological Science*, 14(6), 321–325. <https://journals.sagepub.com/doi/10.1111/j.0963-7214.2005.00390.x?icid=int.sj-abstract.similar-articles.5#1>
- Kracauer, S. (1960). *Theory of Film: The Redemption of Physical Reality*. New York, NY: Oxford University Press.
https://franklin.library.upenn.edu/catalog/FRANKLIN_996083833503681

Babaei, M. (2026, September 4). عکس و خاطره؛ عکس راوی راستگو یا دروغگو [Photograph and Memory; The Photograph as a Truthful or Lying Narrator]. Dr. Mahmoud Babaei's Personal Website. <https://www.mbabaei.com/?p=2179>

Lindsay, D. S., Hagen, L., Read, J. D., Wade, K. A., & Garry, M. (2004). True Photographs and False Memories. *Psychological Science*, 15(3), 149–154. <https://www.psychologicalscience.org/journals/psychological-science/j.0956-7976.2004.01503002.x/>

Loftus, E. F., & Pickrell, J. E. (1995). The Formation of False Memories. *Psychiatric Annals*, 25(12), 720–725.

Ricoeur, P. (2006). *Memory, History, Forgetting*. (K. Blamey & D. Pellauer, Trans.). Chicago, IL: University of Chicago Press. https://books.google.com.sg/books?id=qwPGmAEACAAJ&newbks=1&newbks_redir=0&redir_esc=y#1

Sontag, S. (1977). *On Photography*. New York, NY: Farrar, Straus and Giroux.

Van Dijck, J. (2008). Digital Photography: Communication, Identity, Memory. *Visual Communication*, 7(1), 57–76.

Virilio, P. (2002). *Ground Zero*. London, UK: Verso Books.

Wade, K. A., Garry, M., Read, J. D., & Lindsay, D. S. (2002). A Picture Is Worth a Thousand Lies: Using False Photographs to Create False Childhood Memories. *Psychonomic Bulletin & Review*, 9(3), 597–603.

Weiser, J. (2002). PhotoTherapy Techniques in Counseling and Psychotherapy. *Art Therapy*, 19(2), 62–68.

Bauer, P. J. (2022). The Role of Artificial Intelligence in Memory Rehabilitation. *Journal of Cognitive Neuroscience*, 34(2), 215–229.

Floridi, L. (2023). The Ethics of AI-Generated Memories. *Philosophy & Technology*, 36(1), 12–25.

Greene, R. L., & Murphy, G. (2023). AI and the Fading Line Between Reality and Imagination. *Trends in Cognitive Sciences*, 27(3), 230–242.

Harari, Y. N. (2024). *Nexus: A Brief History of Information Networks from the Stone Age to AI*. London: Penguin Random House.

Landsberg, A. (1995). *Prosthetic Memory: The Transformation of American Remembrance in the Age of Mass Culture*. New York: Columbia University Press.

Paterson, J. (2023). Generative AI and the Reconstruction of Personal Memories. *AI & Society*, 38(4), 567–581.

Simons, D. J., & Chabris, C. F. (2024). The Illusion of Authenticity in AI-Generated Images. *Psychological Science in the Public Interest*, 25(1), 1–18.

Van Dijck, J. (2023). The Digital Memory Machine: AI and the Future of Remembering. *New Media & Society*, 25(4), 789–805.